

شادی مکی: زبان رسمی کشور فارسی است؛ یعنی زبانی که نقش واسطه را برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام میان اقوام مختلف ایرانی ایفا می‌کند، اقوامی که هر یک با زبانی متفاوت صحبت می‌کنند. همان نقشی که زبان انگلیسی در جامعه بین‌الملل و برای تسهیل ارتباط میان مردم مختلف جهان ایفا می‌کند. اما وجود زبان رسمی نافه اهمیت و جایگاه «زبان مادری» نیست. مسئله‌ای که در اصل ۱۵ قانون اساسی کشور به خوبی پیش‌بینی شده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

با توجه به همین اصل از قانون اساسی است که مسئله تدریس زبان‌های محلی در مدارس بارها مورد توجه مجلس کشور در دوره‌های مختلف فرار گرفته؛ توجهی که البته تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است. در آخرین تلاش هم آذرمه امسال کلیات طرح آموزش زبان‌های محلی در کمیسیون آموزش مجلس به تصویب رسید. این طرح بالاخره بعد از گذشت سه ماه و در تاریخ هشتم اسفند راهی صحن علنی مجلس شد و با ۱۰۴ رأی موافق، ۱۳۰ رأی مخالف و پنج رای امتنع به تصویب نرسید. سادتی، بعد از این ماجرا اما شهرام دبیر، معاون پارلمانی دولت، شبکه اجتماعی ایکس در موافقت رئیس‌جمهور و دولت با تدریس زبان مادری در مدارس خبر داد: «این موضوع یکی از شعارهای انتخاباتی رئیس‌جمهور محترم در دوره‌های مختلف بوده و در قانون اساسی هم مورد تأکید قرار گرفته است. لذا ضمن اعلام موافقت آقای دکتر پزشکیان، در صورت نیاز حاضر به ارائه لایحه فوریتی دولت بوده و از نمایندگان محترم هم درخواست تصویب این لایحه را داریم.»

حقیقت آن است که اهمیت آموزش زبان مادری در مدارس ریشه در فرهنگ کهن و متکثر ایرانی دارد. عدم آموزش زبان‌های محلی می‌تواند عواقب هولناکی را در حوزه دانش و فرهنگ کشور به دنبال داشته باشد. انتظار این است که ما امانت‌داران خوبی برای نسل‌های آینده باشیم و فرهنگ این مرز و بوم را به تمامی به نسل‌های بعد منتقل کنیم؛ آن هم به شیوه‌ای غنی‌تر از اعصار و قرون گذشته. در این مسیر ضروری است آموزش زبان مادری را با مسائل پیچیده سیاسی-امنیتی خلط نکنیم و توجه کنیم که آموزش زبان‌های محلی می‌تواند تأثیری مثبت بر حفظ انسجام و وحدت ملی ایرانیان داشته باشد.

عدم آموزش ادبیات محلی، آسیب‌زا نیست

داوود دستباتی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر آذری‌زبان، درباره تجربه خود از تدریس زبان مادری در مدرسه و تأثیر آن بر آموزش و فرهنگ کشور به «شرق» می‌گوید: «من به‌عنوان یک آذری‌زبان، تجربه بدی از عدم آموزش زبان محلی در دوران تحصیل نداشتم؛م، زیرا خلایی در این زمینه وجود نداشت. برای زبان آذری یادگیری اجتماعی و وجود داشت، کتب به زبان محلی به وفور وجود داشتی و

خبر

بیش از ۳۰۰۰ قطع نخاع در تصادفات سال گذشته

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به اجرای پویش «نه به تصادف» در آستانه سفرهای نوروزی، گفت: سال گذشته در تصادفات جاده‌های بیش از ۲۰ هزار نفر فوت کردند و بیش از یک میلیون مجروح نیز به مراکز درمانی مراجعه کردند.

دکتر محمدرضا ظفرقندی دیروز در رزمایش طرح ترافیکی نوروزی پلیس، بیان کرد: اساسا ارزش هر دستگاه و حاکمیت به این است که برای جان انسان‌ها چقدر ارزش و احترام قائل است و چقدر برای حفظ این جان‌ها تلاش و همت می‌کند و همچنین سرمایه‌گذاری می‌کند. این چیزی است که در دنیای امروز به‌عنوان یک شاخص توسعه به آن نگاه می‌شود. وی افزود: دستگاه سلامت یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یکی از دستگاه‌هایی است که وظیفه آن رسیدگی به سلامت مردم است. سلامت مردم یعنی رسیدگی به همه عوامل مؤثر بر سلامت مردم، از تصادف و آسیب‌های جاده‌ای تا آلودگی هوا، تغذیه و همه عوامل دیگری که ما به عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت از آن نام می‌بریم. ۷۵ درصد علت‌های بیماری همین عوامل هستند و باید مورد توجه دستگاه سلامت و همه دستگاه‌های ذی‌ربط قرار بگیرد. وزیر بهداشت ضمن تشکر از همه کسانی که در این طرح دست به دست هم داده‌اند به عنوان یک نشان از وفاق، تأکید کرد: معنای وفاق همین است. یعنی همه دستت به دست هم بدهیم برای ملت و ایران. وفاق در عمل محقق می‌شود نه در نظر، ما امروز دور هم جمع شده‌ایم برای یک خیر عمومی که جان انسان‌ها را نجات بدهیم. ظفرقندی در ادامه با اشاره به آمارهای تصادفات جاده‌ای سال گذشته، خاطرنشان کرد: در سال گذشته بیش از ۲۰ هزار انسان در تصادفات جاده‌ای دچار مرگ‌ومیر شدند، این تنها یک عدد نیست، بلکه یک خانواده و زندگی‌هاست. پیش از یک میلیون مجروح به مراکز درمانی مراجعه کردند. بیش از سه هزار آسیب قطع نخاع داشتیم. آسیب‌های روانی و اجتماعی که به‌دنبال این تصادفات است و خسارات مالی که به‌دنبال این تصادفات است در محاسبه‌ای که انجام شده، حدود هفت درصد درآمد ناخالص ملی است. وزیر بهداشت با اشاره به اجرای مرحله اول پویش «نه به تصادف» تا ۱۵ فروردین با هدف افزایش آگاهی عمومی و هشدارهای عمومی، تأکید کرد: همه دستگاه‌ها دست به دست هم داده‌اند که این خسارت‌ها کم شود. امیدواریم با گزارش‌ی که به دولت اعلام کردیم، با اجرای مراحل دوم و سوم این پویش - که میان‌مدت آن در دو سال و بلندمدت‌ش در سه سال است- بتوانیم این شاخص توسعه را در کشور به حد قابل قبولی برسانیم و رنج‌ها و تلخ‌کامی‌های مردم را کم کنیم.

دکتر ظفرقندی در حاشیه این رزمایش و در جمع خبرنگاران نیز گفت: طبق آمار، ۵۰ درصد مرگ‌ومیرهای جاده‌ای در صحنه تصادفات رخ می‌دهد. او با اشاره به آمادگی بیش از سه هزار پایگاه اورژانس و هلال احمر برای امداد رسانی به مجروحان، خاطرنشان کرد: تمام بیمارستان‌ها و اورژانس‌ها آمادگی کامل برای پذیرش مصدومان را دارند.

«شرق» در گفت‌وگو با فرهیختگان غیرفارس زبان و کارشناسان آثار و تبعات عدم آموزش زبان محلی در مدارس را بررسی کرد:

آموزش زبان مادری مسئله‌ای فرهنگی – تربیتی

و طبیعتا بر این اساس آموزش زبان ملی دارای اولویت است؛ زیرا افراد با این زبان خواهند توانست شغل و حرفه مناسبی کسب کنند. برای امور اداری و تجاری و سایر روابط رسمی هم که در داخل کشور از زبان فارسی و در عرصه بین‌المللی از زبان انگلیسی استفاده می‌شود. در مقاطع بالای تحصیلی هم از زبان انگلیسی استفاده می‌شود؛ زیرا دایره علمی گسترده‌تری دارد. بنابراین استفاده از زبان‌های محلی و آموزش ادبیات آنها بیشتر جنبه حفاظت از میراث فرهنگی دارد و کنجانندن یک درس اختیاری می‌تواند این هدف را برآورده کند.»

او تأکید می‌کند که زبان‌های قومی موجود در ایران میراث فرهنگی همه ایرانیان است و همه به آنها علاقه دارند، مانند موسیقی کردی یا بلوچی؛ «اما کاربردهای اصلی زبان که وسیله‌ای برای ارتباط، اشتغال و تحصیل است، توسط زبان‌های گسترده‌تر برآورده می‌شود.»

زبان مادری‌مان را فراموش کرده‌ایم

عثمان مزین، حقوق‌دان کردزبان اهل شهر سردشت، اما نظری برخلاف اظهارات دستباتی دارد. او با تأکید بر اینکه در شهر ما صددرصد مردم به زبان کردی صحبت می‌کنند، به «شرق» می‌گوید: «با این وجود، متأسفانه همه دروس و کتب درسی به زبان فارسی بودند و همه معلمان هم آموزش‌ها را به زبان فارسی ارائه می‌دهند. برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند برای ادامه تحصیل با زبان رسمی صحبت کنند. در واقع در همه این سال‌ها هیچ اثری از آموزش زبان مادری در مدارس ما نبوده است.»

او تأکید می‌کند که رسم‌الخط زبان کردی با زبان فارسی متفاوت است؛ «اما نه در مهدکودک و نه در دوران مدرسه. الفبای زبان مادری را به ما آموزش نداده‌اند. من تا ۳۰سالگی با وجود اینکه می‌توانستم به زبان رسمی بخوانم و بنویسم، اما با الفبای زبان مادری خودم آشنایی نداشتم و نمی‌توانستم یک خط را به زبان کردی بخوانم یا بنویسم. این روند باعث شده زبان مادری ما به سمت نابودی حرکت کند. الفبای کردی اگرچه شبیه به فارسی است، اما چند حرف بیشتر از آن دارد و تعدادی از آن حروف را هم ندارد. از سوی دیگر در زبان فارسی مصوت‌ها نوشته نمی‌شود، درحالی‌که در املای کردی مصوت‌ها نوشته می‌شوند. با این وجود، ما ادبیات و دستور زبان مادری‌مان را در مدارس نیاموخته‌ایم و این موضوع باعث شده در مناطق کردنشین بسیاری از شهروندان متون کردی را با املای فارسی بنویسند. این موضوع مانند آن است که فارسی را با الفبای انگلیسی بنویسیم.»

مزین تأکید می‌کند که محرومیت از آموزش زبان مادری در مدارس باعث شده که نسل جدید ما هیچ‌گونه آشنایی

با زبان مادری‌اش نداشته باشد؛ «ما تنها با این زبان صحبت می‌کنیم، آن هم به‌صورت ناقص؛ یعنی ۸۰ درصد کلمات مورد استفاده ما فارسی است. در واقع ما زبان مادری‌مان را فراموش کرده‌ایم.»

او اولین تأثیر این وضعیت را ایجاد احساس تبعیض در میان شهروندان می‌داند: «دولت برای آموزش به هر شهروند بودجه خاصی دارد. این تبعیض آمیز است که یک دانش‌آموز فارسی‌زبان با استفاده از بودجه آموزشی خودش ریزان مادری خود را آموزش ببیند، اما فردی که زبان مادری دیگری دارد، با بودجه‌ای که برایش در نظر گرفته شده نتواند زبان مادری‌اش را یاد بگیرد. در واقع یک دانش‌آموز فارسی‌زبان می‌تواند با زبان غنی خود آشنا شود، به فارسی فکر می‌کند، به فارسی می‌نویسد و به زبان مادری خود هم تولید محتوا می‌کند. اما یک فرد کردزبان از این مزیت محروم است و تنها می‌تواند به زبان رسمی تولید محتوا کند. این عدم آموزش از یک سو باعث می‌شود افراد احساس کنند زبان دیگری به آنها تحمیل می‌شود و از سوی دیگر زبان مادری ما را از سرمایه علمی تچی می‌کند.»

این حقوق‌دان به اصل ۱۵ قانون اساسی اشاره کرده و تأکید این اصل بر آموزش ادبیات محلی در مدارس را مسئله‌ای آمرانه می‌داند و نه مسئله‌ای انتخابی به سلیقه مدیران کشور؛ «برای رفع حس تبعیض میان شهروندان باید آموزش رسمی در هر منطقه به زبان محلی همان منطقه باشد و دروس آموزش زبان فارسی تنها به‌لحاظ آموزش تکلم به این زبان تدریس شود. در واقع شهروندانی که به زبانی متفاوت از زبان رسمی کشور صحبت می‌کنند، باید به‌صورت هم‌زمان با هر دو زبان مادری و زبان رسمی آشنا شوند. متأسفانه در سیستم آموزشی ما به اصل ۱۵ قانون اساسی عمل نشده است. به ما گفته می‌شود زبان و ادبیات مادری‌مان را نه در مدرسه‌که در منزل و جامعه بیاموزیم. مگر می‌شود بدون آموزش و اجبار و امتحان این اتفاق بیفتد؟ وضعیت امروز ما این مسئله را به‌خوبی نشان می‌دهد.»

آموزش زبان مادری به ارتقای فرهنگی منجر می‌شود

حامد سهرابی، معلم بلوچ و بخش‌دار منطقه مستنک هم برای «شرق» تعریف می‌کند که در دوران دانش‌آموزی زبان بلوچی را در مدرسه آموزش ندیده است: «ما تنها به زبان بلوچی صحبت می‌کنیم اما به‌لحاظ دستور زبان بلوچی و به‌لحاظ نوشتاری با زبان مادری‌مان بیگانه هستیم. نه ما و نه فرزندان ما هیچ‌کدام نمی‌توانیم به این زبان جمله‌ای بنویسیم. تنها افرادی می‌توانند متون نوشته‌شده به زبان بلوچی را بخوانند که خودشان مطالعه کرده‌اند. آموزش هم در مدارس ما به زبان رسمی است که از

شرق

زبان تألیف کرد یا معلم متکلم به همان گویش تدارک دید.»

او تأکید می‌کند که رویکرد آموزشی اسما در این میان قرار دارد و متفاوت از نگاه‌های افراطی به این موضوع است؛ «رویکرد آموزشی که در حال حاضر مورد حمایت سازمان‌ها و نهادهای جهانی است، تأکید می‌کند که با توجه به تنوع زبانی موجود در بسیاری از کشورها از جمله ایران، دانش‌آموزانی که زبان مادری‌شان با زبان رسمی کشور متفاوت است نیاز به یک «دوران گذار» دارند. این کودکان در خانواده با زبان دیگری صحبت می‌کنند، اعم از کردی، بلوچی، آذری، عربی و… این‌س کودکان وقتی وارد دوران ابتدایی می‌شود، با زبان رسمی و واژه‌های آن آشنایی ندارد. خاطرات بسیاری از بزرگان علمی و ادبی ما که زبان مادری دیگری داشتند هم حکایت از سختی‌های آنها برای یادگیری دروس دارد. یکی از آنها گفته به دلیل عدم درک واژه‌های زبانی فارسی دچار افت تحصیلی شده یا مورد تنبیه قرار گرفته است.»

این کارشناس آموزش دربارۀ دوران گذار توضیح می‌دهد: «این دوران گذار به معنای آن است که کودکانی با زبان متفاوت از زبان رسمی کشور، تنها در دوره پیش‌دستانی و دو سه سال ابتدایی دوران دبستان به زبان مادری خود دروس را آموزش دیده و به‌تدریج با ساختار زبانی و ادبی زبان مادری و زبان رسمی کشور به‌صورت هم‌زمان آشنا شوند. در این رویکرد تمرکز بر این است که کودک به‌واسطه عدم آشنایی با زبان رسمی کشور دچار آسیب آموزشی نشده و از دروس عقب نیفتد. در این دوران معلم باید به زبان این کودکان صحبت کرده و بتواند آموزش‌های اولیه را به زبان خود این کودکان آموزش دهد.

بعد از این مدت دانش‌آموز باید دروس را به زبان رسمی آموزش ببیند. توجه کنید که رویکرد آموزشی وارد بازی‌های سیاسی نمی‌شود و رویکرد من هم صرفا آموزشی است.»

نیک‌نژاد مخالفت مجلس با طرح آموزش زبان مادری در مدارس را منطبق با قانون اساسی نمی‌داند: «این موضوع باید پیگیری شود. امروز آموزش زبان مادری کاملا قانونی است. این اصل در زمان خودش بسیار پیشرو بوده هرچند ممکن است با گذر زمان نیاز به اصلاح هم داشته باشد. از سوی دیگر اما باید توجه کرد که در جهان امروز تنوع زبانی به رسمیت شناخته شده است، زیرا حذف هر زبان باعث آسیب به فرزندانی می‌شود که زبان مادری دیگری دارند، نسل‌های گذشته این آسیب را دیده‌اند و امروز باید از بروز این آسیب‌ها جلوگیری کنیم. از سوی دیگر حذف هر زبان به معنای حذف یک بخش از پازل فرهنگ ایرانی است. من کار ترجمه هم انجام می‌دهم و به‌خوبی متوجه این موضوع شده‌ام که برخی واژه‌های موجود در یک زبان قابل ترجمه و توضیح در زبان‌های دیگر نیستند. به همین دلیل هم آموزش زبان مادری در مدارس موضوعی بسیار مهم است. بنابراین باید یک رویکرد علمی اتخاذ کرد و این موضوع را هم مورد توجه قرار داد که نمی‌توان صدها جلد کتاب درسی به زبان‌های مختلف موجود در کشور تدوین کرد اما می‌توان ساختار دستور زبان و ادبیات هر زبان را در مدارس آن منطقه تدریس کرد.»

نگاه

هشدار پلیس به هنجارشکنان در چهارشنبه‌سوری

جانشین فرمانده کل انتظامی کشور با اشاره به نشست مشترک دستگاه‌های مختلف و آمادگی کامل نیروهای انتظامی و امدادی برای انجام امنیت و کاهش حوادث در تعطیلات نوروزی، گفت: پلیس با هنجارشکنان در چهارشنبه آخر سال و ایام تعطیلات برخورد قاطع خواهد داشت. سردار قاسم رضایی در مراسم رزمایش نیروهای انتظامی و امدادی برای تأمین امنیت ایام تعطیلات نوروزی، اعلام کرد: در آستانه سال جدید، همه‌ساله چنین نشستی با حضور دستگاه‌های مختلف برگزار می‌شود تا امنیت و آرامش مردم تأمین شود. وی افزود: رزمایش امسال با رمز امام حسن مجتبی (ع) و حضور ۹۰ هزار نیرو از یگان‌های مختلف امدادی، خدمت‌رسان جدید، و پلیس آغاز می‌شود. سردار رضایی همچنین از آمادگی کامل پلیس راهور برای شب‌های قدر، لحظه تحویل سال، عید فطر و دیگر مناسبت‌های ویژه خبر داد و گفت: پیش‌بینی می‌شود در نیمه دوم تعطیلات، با موج بیشتری از سفرها مواجه باشیم. جانشین فرمانده کل انتظامی کشور با تأکید بر اهمیت کاهش جرائم، تخلفات، تصادفات و در نهایت کاهش تلفات رانندگی، افزود: آرزوی ما و تمام دستگاه‌های امدادی، خدمت‌رسان و پلیس، کاهش تصادفات و تلفات جاده‌ای است. او همچنین از افزایش تعداد مصدومان ناشی از انفجار مواد محترقه در ایام تعطیلات گذشته خبر داد و گفت: در ۲۵ روز اخیر، بیش از ۴۰۰ نفر مصدوم و تعدادی نیز دچار سوختگی و آسیب به چشم شده‌اند که عمدتا افراد زیر ۲۰ سال هستند. جانشین فرمانده کل انتظامی کشور با اشاره به لزوم پیشگیری از حوادث ناشی از چهارشنبه آخر سال، اظهار کرد: ایجاد راه‌بندها و ترافیک سنگین در چهارشنبه آخر سال خط قرمز پلیس است.

یک بوک خودروی تایلندی در مقابل حایض یادشده یکی از مکان‌های نمازین تایلند



است تا مسافران بین‌المللی از میهمان‌نوازی معروف تایلندی لذت ببرند و در فعالیت‌های متنوعی که دوست دارند شرکت کنند؛ ازجمله خوردن غذاهای تایلندی که در مقام اول جهان هستند، کشف مناظر جذاب، جست‌وجو و خرید انواع محصولات از سراسر جهان و خرید صنایع دستی زیبا و محبوب از سراسر کشور.

به‌عنوان قطب هوایی جنوب شرق آسیا، سفر به تایلند بسیار آسان است. فرودگاه‌های بین‌المللی زیادی در سراسر کشور وجود دارد؛ ازجمله سووارناپومی و دن‌مونینگ در منطقه کلان‌شهری بانکوک، چیانگ‌مای در شمال و پوکت در جنوب که پروازهای بین‌المللی روزانه به این فرودگاه‌ها انجام می‌شود و پس از ورود، گردشگران می‌توانند به‌راحتی از استان‌ها و جزایر مختلف تایلند از طریق شبکه حمل‌ونقل سریع و کارآمد آن دیدن کنند. برای مثال اگر انتخاب شما برای سفر، شهر بانکوک باشد، یک سفر یک‌روزه به آیوتایا پایتخت باستانی تایلند پیشنهاد می‌شود. یا برای کسانی که به تاریخ علاقه‌مند هستند، لوبوری در ۱۵۰کیلومتری بانکوک می‌تواند جذاب باشد؛ مکانی که از آنجا که قرن‌ها پیش ساخته شده، از زمان پادشاه نارای دارای آثاری از معماری ایرانی است.

با فرارسیدن نوروز، جشن باستانی ایرانیان که نویدبخش

شکوفایی و آغاز دوباره است، مردم ایران خود را برای استقبال از سال نو آماده می‌کنند. هم‌زمان با این جشن که نماد دوستی، امید و طراوت است، در تایلند نیز آغاز سال نو سنتی، معروف به «سونگکران»، در ماه آوریل برگزار می‌شود. این هم‌زمانی فرصتی ارزشمند برای بیوند بیشتر میان دو فرهنگ کهن ایران و تایلند است.

در این پیام، سفیر محترم پادشاهی تایلند از مردم ایران دعوت می‌کند تا در سال نو، کشور زیبای تایلند را به‌عنوان یکی از بهترین مقاصد گردشگری انتخاب کنند و از طبیعت معروف به «سونگکران»، در ماه آوریل برگزار می‌شود. این هم‌زمانی فرصتی ارزشمند برای بیوند بیشتر میان دو فرهنگ کهن ایران و تایلند است.

در این پیام، سفیر محترم پادشاهی تایلند از مردم ایران دعوت می‌کند تا در سال نو، کشور زیبای تایلند را به‌عنوان یکی از بهترین مقاصد گردشگری انتخاب کنند و از طبیعت معروف به «سونگکران»، در ماه آوریل برگزار می‌شود. این هم‌زمانی فرصتی ارزشمند برای بیوند بیشتر میان دو فرهنگ کهن ایران و تایلند است.

سال ۲۰۲۵ به‌عنوان «سال بزرگ گردشگری و ورزش تایلند» نام‌گذاری شده است؛ ابتکاری که از یک سال پیش با هدف تقویت جایگاه این کشور به‌عنوان یک مقصد جهانی برای گردشگری و ورزش راه‌اندازی شد. این فرصت بی‌نظیری